



آنجلو میکلہ بیه مونتسہ

استاد دانشگاه رم

نسخه مصور منطق الطیر عطار در تورن *

سخنانی را که دانشمند گرامی جناب آقای ایرج افشار پیرامون فعالیت تحقیق تازه اینجانب در «آینده» (سال چهاردهم، ش ۷-۸، شهریور - آبان ماه ۱۳۶۷، ص ۳۲۷) محبتانه مرقوم فرمودند و بویژه اشارتی را که راجع به نسخه مصور منطق الطیر عطار نگهداشته در «تورن» ارائه نمودند وظیفه مطبوعی گردید برای بنده که این سطور را بنویسم تا خوانندگان علاقه مند بتوانند چند اطلاعات بیشتری در آن مورد کسب کنند. این گزارش کوتاه به پژوهشگر کم مانند نامبرده و به آگاهی محققین متون نسخ پارسی و به یادگار دوستانه اران کتاب سنتی ایران و جهان نگاشته و تقدیم میشود.

در روزگار پیشین اغلب اساتید و فضلاء کشورم متقاعد بودند که در آنچه مربوط به زمینه کتب خطی پارسی نگهداشته در کتابخانه‌های ایتالیا است چیزی در خور توجه، لذا شایسته نظر اندیشه افکنان، نداریم. آنها اندرز خردمندان باستان را نشنیده بودند که گفته‌اند تا سر چشمه را خود ندیدی چشمان مبنه و جویان بکوش. پس بر آن شدم که ایتالیا زمین را پیمایم و بی‌برم که میراث فرهنگی ایران نزد ما واقعاً دیدنی نیست و رسیدگی کنم که راستی کتابخانه‌های نامور ما اینقدر پر از آثار غربی و خالی از متون شرقی است یا نه.

* A. M. Piemontese ایرانشناس نامدار ایتالیائی سالی است که به سمت رایزن

فرهنگی ایتالیا در تهران است و این مقاله که از راه لطف به مجله آینده داده‌اند به همان فارسی ادبیانه ایشان بر تصرفی چاپ می‌شود (آینده).

کم کم مسافرت پژوهشی طولانی را بهزینة جیب و زاد خودم آغاز کردم که آن ده سال کمتر دیر نکشید و چند سوغات تحقیق بخشید.

خلاصه، گذشته از چهل و پنج کتابخانه واقع در بیست و دو شهر مختلفی که در آنجا هیچ اثر پارسی پیدا نشد، بدیدار پانزده شهر دیگر راه افتادم که در سی و دو کتابخانه آنها بالغ بر چهارصد و سی جلد اعم از کتب منفرد و منفرد و مجموعه‌ها را یادداشت و بررسی کردم.

گاه گاهی به یک دستنوشته برجسته و فراموش شده‌ای که برمیخوردم، مانند خلاصه‌الاجبار خودنویس خواندمیر نگهداشته در رم و دستنویس معتبر تاریخ طبری نگهداشته در ونیز، جهت آگاهی علاقه‌مندان مقاله ویژه‌ای فوراً انتشار میدادم زیرا که نگارش فهرست کامل نسخ باز یافته سهمی وسیع داشت و مدت درازی می‌خواست. و اینک باطلاع خوانندگان گرامی این مجله پرحیثیت میرسانم که فهرست نسخ خطی پارسی نگهداشته در کتابخانه‌های ایتالیا زیر نظر کمیسیون ملی کتابخانه‌ها وابسته به وزارت میراث فرهنگی کشورم و توسط سازمان چاپخانه دولتی همین اکنون در رم انتشار می‌یابد و امیدوارم همچنین اقدام در نظر دانشمندان مقبول و سودآور آید.

اما بعد، شهر تورن تا نیمه سده میلادی گذشته پایتخت مملکت هر چه نیرومندتر پیه‌مون بود و پادشاه آن ویکتور امانوئل دوم کامیاب شد که در سال ۱۸۶۱ م. نخستین بار پس از ده‌ها قرن ممالک مختلف ایتالیا زمین را کشوری متحد گردانید. بهنگام یادآور است که سال پیاپی یک هیئت عالی نمایندگی مأمور تجدید روابط سیاسی و فرهنگی میان ایتالیا و ایران را به ناصرالدین شاه قاجار روانه کرد. ضمناً چندسال پیش فرخ‌خان امین‌الدوله و حسن علی‌خان هر دو سفیر ایران دید و بازدید آن پادشاه و شهر تورن را انجام داده بودند.

کاخ سلطنتی تورن که هنگام اولین سفر خود به فرنگستان ناصرالدین‌شاه نیز آنرا دیدن کرد یک قسم «دژ نبشت» (خزانه‌الکتاب بترجمه عربی) یعنی کتابخانه نفیس در بر دارد. اما ناگفته نماند که یک ویژگی قابل توجه آن کاخ عبارت از سلاح‌خانه سلطنتی هم می‌باشد که از برگزیده‌ترین مجموعه‌های اسلحه تاریخی اروپا بشمار میرود. در این موزه تعداد خنجرها و شمشیرهای کتیبه‌دار ساخت ایران را مانند شمشیر عمل اسدالله اصفهانی، مورخ ۱۱۰۵ ه.ق. و دارای شعار «وسیف علی»، نمایش میدهند.

کتابخانه سلطنتی تورن در همین کاخ و در نزدیکی سلاح‌خانه تاریخی آن

فراهم آمده است. این کتابخانه شامل يك كلکسیون متون نسخ شرقی میباشد که بویژه زیر پادشاهی کارلو آلبرتو (۱۸۴۹-۱۸۳۱ م.) تشکیل شده. تعداد دست نوشته‌های پارسی بیشتر از پانزده جلد نیست ولی نسبتاً هر یکی جالبتر و مهمتر از دیگری بنظر میرسد زیرا که بعضی دیپلماتهای بیه‌مون مقیم در اسلامبول همچنین جمع‌آوری ممتاز را محض رضای پادشاه ایشان فراهم کردند و این جنس دستنوشته‌های پارسی را که همواره بازار کتاب اسلامبول غنی از آنها بود یکی یکی گزینش و خرید نمودند. بطور مثال نسخه‌ای منحصر در میان آنهاست چون دیوان خودنویس علی بن فتح‌الله المعدانی اصفهانی متخلص به صابر، شاعر و خطاط و کتیبه‌سازی که در درگاه سلطان محمد فاتح عثمانی خدمت کرد که بفرمایش او در سال ۸۸۱ ه. ق. نگارش دیوان خود را بجا آورد. نسخه مجلد سوم مورخ ۹۳۵ ه. ق. کتاب حبیب‌السییر خوانده‌میر، دستخط مؤلف، نیز قابل توجه و ذکر میباشد و همچنانچه نسخه بسیار قشنگی که عبارت از سفیه منعم‌الدین اوحدی خطاط و شاعر معروف (۹۰۹ ه. ق.) میباشد. يك مرقع محتوی ۲۶ رباعی بخط شکسته غبار ناشی از يك مکتب اصفهانی اواخر زمان صفوی و ۲۴ تصویر از شخصیت‌های درگاه مغول هندی را نیز میتوان يك سند هنری غیرعادی قلدردانی کرد.

اما نخستین دستنوشته پارسی که در کتابخانه سلطنتی تورن زیر کد «نسخه شرقی ۴۰» نگهداشته است بلاترید منطبق الطیر عطار نیشابوری می‌باشد. ارزیابی این نسخه از سوی خریدار آن در اسلامبول و یا يك خبره آن زمان بخوبی درك شده بود همانطور که مفهوم متن ایتالیائی يك برگه متصل بکتاب مشاهده میکنند، ولی هیچ محقق دیگری متوالیاً متوجه وجود و اهمیت نسخه نشد. اینجانب کوشیدم کیفیت آنرا توسط مقاله‌ای که پنج سال پیش در مجله آکادمی ملی لینچه‌ای رم به چاپ رسید بدقیق مشخص کنم.

نسخه بقطع کتاب جیبی (۱۸ بر ۱۲ سانتیمتر) تصویر شده دارای ۲۰۹ برگ معدلاً ۱۴ سطر بخط نسخ، ۶ مجلس و متن کامل مثنوی میباشد، و نیز بکلی تذهیب و تصحیح و تنظیم شده. متن همانطور که در دستنوشته‌ها و انتشارات مختلف دیده میشود بر ۴۵ مقاله و يك‌خاتمه تقسیم نشد بلکه بخش‌های منفردی و حکایاتی را که هر یکی از آنها زیر عنوان مشخصی ثبت شد عرضه میدارد. مفصلاً شمس‌عاری از نوشته پیش از آغاز متن، سرلوح منبسط در جفت برگ‌های آن، جدول زرین، ستونبندی به‌طلا، عناوین زر بخط لث،

لچکیهای مزین، چند بیت بخط زاویتین و بشکل لوزی در خانه‌های آراسته به برگ و نهال رنگارنگ دارد. طرز آرایش سرلوح با عنوان، لچکی، ورب و لوز بر اساس طلا و ترکیب آنها با زینت برگ، نهال، گل و بوته سبز و آبی و شنگرف و شاه بلوطی رنگ ظرافت والا و نزاکت صاف را گسترش می‌کند. تذهیب و تصویر و تزئین بحالت تعادل زیبایی روشن در آورده شد.

این ویژگی چشمگیر شکل آرایش و سبک نگارش نشان می‌دهد که کتاب با کمال دقت و ذره‌بینی مهیا و ساخته شد و برهان اینست که متن تماماً تعجیم شد و علامات حروف مصوته هم اینطور مقید توجه فراهم آمد که گاه گاهی با رنگارنگی سبز و آبی و شنگرف و نارنجی و بنفشی تمییز شد. شکی نیست که این نوع متن مصحح و معجم میتواند بسیار مقید برای هر مطالعه‌کننده این اثر نامدار عطار باشد. دلیل دیگری از اهتمام عالمانه ناشران متن نیز این است که در سرآغاز و در پایان کتاب توصیف ویژگیهای هنر ادبی و عظمت عرفانی مؤلف مثنوی بطرز برجسته ارائه یافت.

سرلوح شامل چهارتا عنوان مزین و متناسب بخط ثلث و رقاع است و در آنها دو تا بیت مستخرج از متن خود مثنوی خوانده میشود. بدین وسیله عنوان کلی کتاب را که فی الواقع منطق الطیر و مقامات الطیور است بشرح زیر نمایش داده‌اند:

کردی ای عطار بر عالم نثار
ختم شد پرتو چو بر خورشید نور
نفاة اسرار هر دم صد هزار
منطق الطیر و مقامات طیور
و قابل ملاحظه نیز میباشد که بیت دوم از بخش نسخه را که زیر عنوان «در بیان سخن» ثبت کرده‌اند استنباط شد.

ذاتی‌ترین نمونه کیفیت متن را که میتوان در این گزارش اقتباس کرد عبارت از همین پایان مثنوی است. بخش نسخه نامیده «در تاریخ کتاب» سال معین نگارش مثنوی را مشخص و مشاهده میکند. احياناً این تاریخ که مطابق ظهر شنبه ۲۰ ماه رمضان (ویا ذوالحجه) ۵۸۳ ه. ق. است در نسخ دیگری پدیدار نیست:

همچنان دل در تحیر مرد بود
حق تعالی از مدد درها گشاد
روز شنبه بود وقت استوا
در صفا و ذوق و در آمایشی
بائصدو هشتاد و سی بگذشته سال
گفت عطار از همه مردان سخن
گاه اندر حمد و گه در درد بود
و اتفاق ختم این سخت فساد
بیستم روزی بود از ماه خدا
دم بدم وقت خوش از بخشایشی
هم ز تاریخ رسول ذوالجلال
گر تو مردی هم بخیرش یاد کن

متن مثنوی با همین ابیات پایان میرسد. در برگ دیگری که بشکل بسیار قشنگ و بچارچوب مذهب عالی جلوه میدهد کولوفون، یعنی پایان نسخه و یا

پایانه بقول استاد ارجمند محمدتقی دانش‌پژوه، حاضر شد و محتوای آن بشرح زیر است:

تمام شد کتاب منطق الطیر گفتار شیخ العارف العاشق الشطار فریدالدین العطار قدس سره.

علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی الملك الغنی نصیرین حسن المکی احسن الله احواله و غفر ذنوبه - فی شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنه سبع و خمسين و ثمانماية حامداً لله تعالی و مصلیاً و مسلماً والحمد لله حق حمده و الصلوة والسلام والتحیة علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین.

این تاریخ ختم نسخه (صفر ۸۵۷ ه. ق.) نیز مهم است زیرا که بر اساس کتابشناسی نسخ خطی و تاریخ نقاشی در ایران که تا حالا آماده و دسترس باشد اینطور میتوان تصدیق نمود که این کهنه‌ترین نمونه مصور منطق الطیر است که بدست ما رسیده است.^۳

خوشنویسی کاتب نصیر بن حسن المکی اینقدر جالب و پخته است که بدون شك باید او را از اساتید بزرگ خط نسخ هر زمان و زمین دانست و در حقیقت بنظر می‌رسد که خوش‌آهنگی، زیبایی و روشنی خط او بسهولت نمی‌توان سیر و غور کرد. خاطر نشان هم است که در آن زمان استفاده از خط نسخ بجهت نگارش و آرایش متون شعر و مثنوی بندرت اعمال می‌کردند. این تفصیل نیز همت و حرمت ناشران نسخه نسبت به اثر عطار را آشکار مینماید. فراموش شدنی نیست که سال ۸۵۷ ه. ق. که هنگام آن هم فتح قسطنطنیه بدست محمد فاتح عثمانی هم تسخیر شیراز از سوی ترکمنان اتفاق افتاد، سالی بسیار مهم در تاریخ سیاسی و بنابراین سرگذشت ادب و هنر ایران و خاور-میانه بود. فی الواقع احتمال میرود که نسخه ناشی است از مکتبی که متخصصان تاریخ نقاشی ایران آنرا مکتب شیراز مینامند گرچه مانعی ندارد که خود نسخه در تبریز و یا در بغداد، یعنی در کتابخانه پیر بداد قراقیونلو نگاشته شده. طرز شش مجلسی که بجلوه تصویر نسخه در آمد نمونه‌ای از سبک نقاشی بسیار عالی آن زمان قرار میدهد.

موضوع مجلس اول (برگه پیش از سرلوح و آغاز متن) که دیباچه تمثیلی کتاب بنظر میرسد کردار و حرکت آنی شکار پلنگ و چند پرندۀ دیگر و خرگوش

۳- رک به:

M. Lukens Swietochowski, "The Historical Background and Illustrative Character of the Metropolitan Museum's Mantiq al - Taysir of 1483", in R. Ettinghausen (ed.), *Islamic Art in the Metropolitan Museum of Art*, New York 1972, pp. 39-72.

را بوسیله باز و شاهین از سوی شاهزاده‌ای و رکاب او نمایش میدهد. اینجور حالت نمایش نادرآ در تصویر ایرانی دیده میشود. در این نسخه تنها گاهی هم است که به تشکیل پرندگان طبیعی و یا بعبارت دقیق‌تر به کشتار آنها برمی‌خوریم. در تصاویر دیگر هیچ نشان طیر طبیعی و طيور خیالی پدیدار نیست. شاید این منظره شکارگاه شعوری سری دارد همانطور که مجلس دومی که طرز تشکیل و مشخصات تشییلی آن نایاب است.

موضوع این مجلس معنی‌دار مربوط به تکه مقدمه مثنوی است که در آن شاعر روایت نفزین ابلیس را که از سجده آدم و اعتراف برتری او ابااء کرد می‌گذارد همچنین که این ابیات متن شامل خود تصویر بیان میکند:

وآن یکی از سجده او سر بتافت
 چون سیه رو گشت گفت ای بر نیاز
 حق تعالی گفت ای ملعون راه
 مسخ و ملعون گشت و آن سر در نیافت
 ضایع مگذار و کار من بساز
 هم خلفست آدم و هم پادشاه

اما موضوع واقعی مجلس عبارت از مراسم لباس پوشان آدم هاله‌دار است. مصرحاً میشود دیده که سه فرشته تاجدار با شکوه و دو فرشته خدمتکار روبروی آدم ایستاده‌اند تا تاج زرین و طراز را باو تقدیم کنند در حالتی که ابلیس التماس‌کنان در کنار زار و گریه میکند. و صورت آدم با شباهتی صاف به آن بودا نقاشی شد.

نکته جالب اینست که چند ابیات برگزیده شامل هر مجلس سوم (شیخ صنعان خرقة را در دیر بانوی مسیحی میسوزاند)، چهارم (برخورد سلطان محمود با پیرمرد خارکش)، پنجم (حراج حضرت یوسف بعنوان غلام در بازار مصر)، و ششم (وارد شدن پنهانی مجنون بشکل بز در خیمه‌گاه لیلی) نیز مناظر ظریف را بسط میدهد.

جناب آقای باسیل گزای Basil Gray، متخصص معروف تاریخ هنر نقاشی کلاسیک ایران، نسخه را در تورن نظاره کردند. قضاوت ایشان اینست که نسخه ناشی از مکتب شیراز اما احتمالاً متعلق به کتابخانه (به معنی دکان نقاشی) پیربداد قراقیونلو بنظر میرسد و ارائه فرمودند که بویژه علی‌الحساب ابتکار و ظرافت تصاویر می‌توان آنرا یکی از قشنگترین دستنوشته‌های پارسی زمان تیموری امتیاز کرد. اینجانب اعتقاد دارم که این نسخه بر حسب خوشنویسی و تذهیب و نقاشی و تزئین آن شاه‌کار برجسته‌ای است. این شاهکار نشان عظمت فرهنگ زمان تیموری است که در آن هنر کتاب ایران بر اوج شکفت‌انگیز و تقلید‌ناپذیرش افراخته شد.

آینده - نگاه کنید به دو تصویر نسخه خطی که در بخش عکسها چاپ شده.